خودخواهی انسان در جراحی زیبایی و اصلاح نژاد حیوانات

پس ازاین که انسان سال‌ها برای ارضای حس زیبایی شناختی خود دست به عمل‌های زیبایی و جراحی پلاستیک زد، حالا نوبت به جراحی زیبایی حیوانات و اصلاح ژنتیکی آن‌ها رسیده تا صاحبان حیوانات خانگی از نمایش دادن این زیور زنده، نهایت لذت را ببرند.

نویسنده در این مقاله کوشیده تا مضرات و مزایای این جراحی‌های پرهزینه را بررسی کند.

میان نیزارها و ریشه‌های غرق در آب برنج شالیزارهای هند، ماهی‌های کوچکی در آب شیرین حیات دارند که از سر تا دم آن‌ها با راه‌راه‌های افقی سیاه‌وسفید پوشانده شده است. این ماهی مینو، زبرافیش یا گورخرماهی نام دارد. خوش‌ظاهر بودن و مقاومتشان در برابر سرما و گرما، این ماهی‌ها را به حیوانات خانگی محبوبی تبدیل کرده است. بعد از گذشت دهه‌ها، این ماهی‌ها از آب‌های کم‌عمق و گل‌آلود شبه‌قاره هند به خانه‌های سرتاسر جهان رسیده‌اند تا با راه‌راه‌های روی بدن خود، توجه دیگران را به خود جلب کنند.

اما امروز، گونه اصیل سیاه‌وسفیدی که در طول نسل‌ها در میان آکواریوم‌بازها محبوب بود، به یادگاری از گذشته‌های دور تبدیل شده است. به لطف زیست‌تکنولوژی، رنگ‌های زبرافیش‌ها اصلاح شده‌اند. زیست‌شناسان با برداشت دی‌ان‌ای هایی از عروس دریایی، مرجان آبی و شقایق آبی و تزریق آن‌ها به این ماهی کوچک گرمسیری، زبرافیش را خلق کردند که بارنگ‌های کهربایی قرمز، نارنجی، سبز، آبی و بنفش در آب می‌درخشند. اواخر سال ۲۰۰۳ یک شرکت کوچک به نام تکنولوژی‌های یورکتون در تگزاس شروع به فروختن این حیوانات کرد. این حیوانات به گلوفیش مشهور شدند و به اولین حیوانات خانگی مهندسی شده ژنتیک تبدیل شدند.

حالا گلوفیش در تمام ایالت‌های آمریکا، در فروشگاه‌های حیوانات خانگی (به جز کالیفرنیا) در دسترس است و هر قطعه ۵ یا ۶ دلار به فروش می‌رود. دو سال پیش ۶ قطعه از آن‌ها را به همراه تنگ مخصوصی که برای نمایش دادن رنگ‌های درخشان آنان طراحی شده، خریدم. شیفته نگاه کردن به این ماهی‌ها بودم؛ چون که در آکواریوم می‌درخشیدند و شنا می‌کردند. اما از جهت اخلاقی و فیلسوفی با چند سؤال ناراحت‌کننده مواجه شدم.

گلوفیش‌ها اولین حیواناتی نیستند که به خاطر لذت زیبایی شناختی خودمان روی آن‌ها اصلاحاتی انجام داده‌ایم، اما این ماهی‌ها یادآور شروع دوره جدیدی هستند. آن هم این که می‌توانیم ژنوم‌های حیوان زبان‌بسته خانگی‌مان را دستخوش تغییراتی قرار دهیم تا آن‌ها را جذاب‌تر کنیم. حالا که زیست‌تکنولوژی راه‌های جدیدی را برای تغییر شکل دادن حیوانات در اختیارمان می‌گذارد، قدری درباره مسیر طولانی‌ای که با هدف جرح و اصلاح حیوانات رفتیم فکر کنیم. تا چه اندازه می‌توانیم به خودمان اجازه دهیم تا در پی زیبا کردن حیوانات باشیم؟

جدای از مقوله تاریخی، ما اغلب با حیوانات به‌عنوان مواد خام رفتار کرده‌ایم. انبوهی از مواد گلی که می‌تواند پیکرتراشی شود و به هر شکلی که متناسب نیاز ماست دربیاید. سگ خانگی در بسیاری از جنبه‌ها، شاهکار ماست. از گرگ خاکستری الگو گرفتیم و با استفاده از پرورش انتخابی حیوانات جدیدی خلق کردیم. امروزه حدود ۴۰۰ نژاد سگ وجود دارد؛ مثلا سگ‌هایی با گوش‌های گرد و آویزان (باست هاند) یا گوش‌های نوک‌تیز وایستاده (ژرمن شپرد)، سگ‌هایی با پوست‌های صاف و ابریشمی (هاند افغانی) و پوست‌های زبر و وزوزی (آیردل تریر)، سگ‌هایی با پاهای بلند و زیبا (تازی ایتالیایی) و پاهای کوتاه (کورگی). سگ در حال حاضر از نظر ریخت‌شناسی متنوع‌ترین گونه، روی زمین است.

درابتدا، سگ‌ها به خاطر توانایی‌هایی که در یک کار خاص، مثل شکار، گله‌داری یا نگهبانی داشتند، تکثیر شدند. اما در اواخر قرن نوزدهم، باظهور سازمان «کنل کلاب» تغییراتی صورت گرفت. سازمانی که به‌منظور حمایت از سگ‌ها در موارد ارتقاء بهداشت، رفاه، حفاظت، ثبت و کنترل نژادی، آموزش صاحبان، تربیت و تغذیه آنان فعالیت دارد. سوالیس شرلی، که در سال ۱۸۷۳ اولین کنل کلاب جهان را در انگلیس تأسیس کرد، یک اشراف‌زاده ثروتمند بود که از سگ‌های شکاری نگهداری و از آن‌ها برای شکار استفاده می‌کرد. اما سازمان‌های او و سازمان‌هایی که بعد از آن تأسیس شدند، باعث تبدیل سگ‌ها به زیورآلات شدند. کنل کلاب‌ها که با هدف ایجاد استاندارد برای نژادهای موجود و بررسی اصالت سگ‌ها تأسیس شدند، به برگزاری مسابقات سگ‌ها نیز پرداختند.

برخی از این رویدادها، مانند رقابت‌های میدانی، آزمایشی برای سنجیدن توانایی یک سگ در انجام یک کار خاص بود، اما «نمایش‌های ریخت ظاهری» معتبرترین و محبوب‌ترین مسابقه بود که در آن، به میزان تطابق سگ‌ها با نمونه‌های مطلوب نژاد خود، امتیاز داده می‌شد. انتقادی که وارد است، آن است که هرکدام از باشگاه‌های نژاد که در ارتباط با کنل کلاب‌ها هستند، استانداردهای نژادی را براساس ظاهر فیزیکی حیوان می‌سنجند و نه توانایی آن‌ها مثل گله‌داری یا پیدا کردن پرندگان مرده. با وجود وضع چنین استانداردهایی که صرفا بر ویژگی‌های ظاهر تمرکز دارد، تأکید صرفا بر ظواهر فیزیکی است و بس. سگ پودل را در نظر بگیرید، این نژاد آلمانی زمانی به دلیل توانایی در شنا کردن و یافتن شکار، مورد توجه شکارچیان بود. اما معیارهای زیبایی هیچ اشاره‌ای به این مهارت‌ها نمی‌کند. درعوض، طبق نظر باشگاه کنل کلاب آمریکا، پودل ممتاز دارای چانه‌ای کاملا برجسته و گونه‌هایی صاف است. او گوش‌های کرک‌دار ضخیم و چشم‌های تیره و بیضی شکل دارد. پاهای کوچک او دارای پنجه‌های قوس‌دار و ناخن‌های کوتاه است. دم او صاف و کوتاه است، روی بدنش خمیده شده و خدای ناکرده هرگز فر نمی‌خورد.

این پایان ماجرا نیست. برای صعود رتبه به صدر جدول، پودل باید با زحمت زیاد آراسته شود. موهای صورت، گلو و پاهایش تا پوست تراشیده شود و پاها، پشت و دمش با موهای پف کرده تزئین شود. او باید «آراسته» روی صحنه ظاهر شود و «باغرور» و با «تمایز و وقار خاص خودش» رفتار کند. پودل دیگر یک سگ کار نیست، او یک شیرینی برای سیر کردن چشم‌هاست! همین امر در مورد بسیاری دیگر از نژادهای سگ صدق می‌کند، لابرادور رتریور می‌تواند بهترین شکارچی پرنده در جهان، دوست‌داشتنی‌ترین همدم و سالم‌ترین سگ باشد. با این حال، طبق «استانداردهای» کنل کلاب آمریکا اگر چشمان سیاهی داشته باشد نامطلوب شمرده می‌شود، زیرا سیمای تندی بروز می‌دهد.

معیارهایی که بعضی از سگ‌ها را نسبت به باقی مقدم می‌دارد، من درآوردی به نظر می‌رسد، اما معیارهای دیگری هست که ویژگی موجودات «نئوتنیک» یا بامزه را نشان می‌دهند. توله‌های بسیاری از گونه‌ها با سرهای درشت، چشم‌های درشت، پیشانی‌های گرد و بینی‌های کشیده شبیه به هم هستند. تکامل در ما میلی طبیعی به ویژگی‌های [ظاهری] نوزادان به وجود آورده است. برخی از زیست‌شناسانی که پیرو نظریه تکامل هستند، اظهار داشته‌اند که تمایل ما به حیوانات نئوتنیک، مانند توله‌سگ‌ها و بچه‌گربه‌ها، جایگزین کشش ذاتی ما به نوزادان شده‌اند. از غرایز طبیعی والدین استفاده می‌کنند و ما را فریب می‌دهند تا از آن‌ها مراقبت کنیم. این «واکنش بامزه» ممکن است به ایجاد نژادهای سگ اسباب‌بازی کمک کند و توضیح دهد که چرا ما برخی از نژادها را به داشتن سر و چشم بزرگ‌تر و پوزه کوتاه‌تر سوق داده‌ایم. علاقه ما به چیزهای نئوتنیک ممکن است عامل ایجاد گربه‌های پاکوتاه یا خوک‌های کوچک به اندازه فنجان چای باشد. (و شاید هم ازدیاد فیلم‌ها و تصاویر حیوانات دوست‌داشتنی در اینترنت.)

جدای از ویژگی‌های نئوتنیک، انگیزه پرورش حیوانات خانگی که فقط به خاطر ویژگی‌های زیبایی شناختی پرورش داده می‌شوند، متفاوت است؛ آن هم اشتهای انسان برای تازگی است. ما به موجوداتی علاقه‌مند می‌شویم که جدید، غیرمعمول و کمیاب هستند. در طول تاریخ، خانواده‌های ثروتمند و قدرتمند از حیوانات خانگی عجیب‌وغریبی نگهداری می‌کردند و امروزه هم برخی از افراد مشهور. البته، همه ما نمی‌توانیم شیرها، ببرها و خرس‌ها را به خانه‌های خود بیاوریم، بنابراین پرورش‌دهندگان راه‌هایی برای ایجاد حیوانات خانگی پیدا کرده‌اند که ظاهری عجیب دارند، مانند گربه‌ای خانگی به نام «تویگر»، که شبیه ببر است. از طرفی صنعت ماهی‌های زینتی به‌طور ویژه در تلاش است تا نمونه‌های غیرعادی‌تری را در اختیار علاقه‌مندان به ماهی قرار دهد. گلدفیش که حالا همه جا پیدا می‌شود، زندگی خود را این گونه آغاز کرد. گلدفیش که بومی چین است، معمولا در طبیعت به رنگ خاکستری و نقره‌ای یافت می‌شود. این ماهی، بارنگ‌های زرد و نارنجی، یک گونه طبیعی، اما نادر است. ماهیگیران این جهش‌یافته‌های طلایی نادر را پیدا کردند. این ماهی‌ها در قرن سیزدهم به حیوان خانگی محبوب خانواده‌های ثروتمند چینی تبدیل شدند و آن‌ها را در حوضچه‌های اختصاصی و در فضای باز نگهداری می‌کردند.

با این حال، طی چند قرن بعد، ظرف‌های سفالی به‌طور گسترده در دسترس قرار گرفتند که به دوستداران ماهی اجازه می‌داد تا آن‌ها را در داخل خانه نگه دارند و نگهداری ماهی را حتی برای کسانی که از شرایط کافی برای داشتن حوضچه برخوردار نبودند، ممکن ساخت. پرورش‌دهندگان با محبوبیت بیشتر گلدفیش، ابتدا در چین و آسیا و سپس فراتر، مجموعه‌ای بی‌پایان از گونه‌های جدید خلق کردند. ابتدا رنگ‌های جدیدی از گلدفیش، یکی با رنگ سفید و دیگری با رنگ سیاه‌وسفید و طرح لاک‌پشتی که در پشت آن رسم شده بود، به بازار آمد. سپس پرورش‌دهندگان شروع به تغییر شکل دادن بدن حیوانات کردند و گلدفیش‌هایی با دم‌های دوگانه، سه‌گانه یا حتی چهارگانه خلق کردند. بعضی از آن‌ها با چشم‌های بادکنکی، بیرون زده یا به سمت بالا و برخی دیگر با سرهای بزرگ یا تاج‌هایی روی سرشان که حاصل رشد گوشت بود، خلق شدند.

علاقه‌مندان به ماهی در آمریکای شمالی و اروپا شروع به واردات نمونه‌های عجیب‌وغریب و استفاده از آن‌ها به‌عنوان نقطه شروعی برای آزمایش‌های بیشتر کردند و آن‌ها را در ترکیب‌های مختلف پرورش دادند تا انواع جدیدی از ماهی‌ها را خلق کنند. به‌عنوان مثال، حتی پس از این که تترا نئون «طبیعی» در اواسط قرن بیستم به موفقیت بزرگی در صنعت حیوانات خانگی تبدیل شد، پرورش‌دهندگان آن را دستکاری کردند و در میان نمونه‌های دیگر، یک نسخه بی‌رنگ و دیگری با باله‌های بلند و پرمانند ساختند. امروزه، نمایشگر آکواریوم فروشگاه حیوانات خانگی شما دارای انواع ماهی‌هایی است که در طبیعت وجود ندارند و همه آن‌ها در پاسخ به نیاز به داشتن حیوانات خانگی خارق‌العاده خلق شدند!

در جست‌وجوی تازگی بودن، انفجار مشابهی در انواع دیگر حیوانات خانگی نیز ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۸۵۰، ۱۰ نژاد مختلف خرگوش وجود داشت. امروزه نزدیک به ۵۰ نوع وجود دارد که دارای طیف وسیعی از رنگ‌ها، اندازه‌ها، شکل گوش و طول خز هستند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گرایش ما به حیوانات رنگی بیشتر است. برای مثال مطالعه‌ای در دانشگاه واشینگتن در شهر باتهل، در سال ۲۰۰۷ نشان داد که ما گونه‌ای از پنگوئنی را که روی بدنش یک خط زرد و قرمز دارد، به پنگوئن سیاه‌وسفید ترجیح می‌دهیم. شاید به همین خاطر است که قناری‌ها «که به صورت طبیعی» سبز و زرد هستند و اکنون با بیش از ۵۰ ترکیب رنگ مختلف یافت می‌شوند. شاید این تمایل به رنگ‌های گرم و اشباع‌شده، علتی باشد که ماهیگیران چینی گلدفیش‌های جهش‌یافته را از رودخانه صید کردند.

اگر اصلاح نژاد به خوبی انجام نشود، همیشه می‌توانیم از معجزه شیمی مدرن کمک بگیریم. هر بهار، مرغداران جوجه‌های تازه متولدشده را بارنگ‌های صورتی، بنفش، سبز و آبی روشن برای هدایای عید پاک رنگ می‌کنند تا در راستای بازاریابی این حیوانات کوچک تلاشی انجام گرفته باشد. (رنگ، روی پرندگان اسپری می‌شود یا پیش از جوجه شدن به تخم تزریق می‌شود) مدت‌ها پیش از این که گلوفیش به بازار بیاید، فروشگاه‌های حیوانات، ماهی‌های رنگ‌شده را می‌فروختند. به این ترتیب سال گذشته اما واتسون، بازیگر انگلیسی، در حال قدم زدن با یک سگ «بیکون صورتی» دیده شد و اندکی بعد در چین، جنونی برای رنگ کردن سگ‌های خانگی شکل گرفت. این موضوع نشان می‌دهد ما حیوانات را به‌عنوان اشیائی زیباشناختی، به محصولاتی تبدیل کرده‌ایم که می‌توان آن‌ها را بت شمرد و تملک کرد. درواقع داشتن یک حیوان جذاب همان اشتیاق و امیالی را ارضا می‌کند که داشتن سایر اشیاء خوش‌رنگ و لعاب مثل جواهرات، یا لباس‌های طراحان «مشهور». بونی بری جامعه‌شناس آمریکایی در یک گزارش علمی در سال ۲۰۰۸ می‌گوید که حیوانات زیبا و جذاب به‌عنوان محصولات مصرفی برای ارتقای وجهه اجتماعی انسان استفاده می‌شوند!

به این ترتیب حیوانات به همدم و زیور تبدیل شده و کارکرد خود را از دست داده‌اند. باگذشت زمان، چیزی که زمانی برای ثروتمندان و قدرتمندان صرفا جنبه تجمل داشت، به کالایی دموکراتیک تبدیل شد. حیوان خانگی با جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و گاه لوکس!

مشکل اینجاست که در اغلب موارد برای پرورش حیوانات جذاب، به آنان آسیب‌های زیادی وارد می‌کنیم.

حتی پرورش انتخابی به راحتی می‌تواند اثرات فاجعه‌باری داشته باشد. هنگامی که نمایش‌های ریخت ظاهری سگ‌ها در معرض داوری استانداردهای نژاد قرار داده شد، شروع به زیاده‌روی در تغییر ظاهر سگ‌ها کردیم. به این معنی که اگر داوران به یک بولداگ با سر بزرگ و پوزه کوتاه رأی می‌دادند، مطمئنا در گام بعدی اولویت با سر بزرگ‌تر و صورت صاف‌تر خواهد بود. باگذشت زمان، در انتخاب ویژگی‌های ایده‌آل یک نژاد افراط کردیم و از آنجایی که نیازی به کار کشیدن از این سگ‌ها نبود، نیازی به اطمینان یافتن از سلامت فیزیکی آن‌ها هم نبود. امروزه، توله‌سگ‌های بولداگ دارای سرهای بسیار بزرگی هستند که نمی‌توانند از مجرای زایمان عبور کنند (بیشتر آن‌ها از طریق سزارین به دنیا می‌آیند) و صورت آن‌ها به قدری فشرده است که نفس کشیدن‌شان را مشکل می‌کند.

پژوهشی در سال ۲۰۰۹ در وترینازی ژورنال منتشر شد و نشان داد که حداقل یک جنبه از ترکیب فیزیکی هر ۵۰ نژاد سگ محبوب پدیگری مستعد ابتلا به اختلال است. به‌عنوان نمونه در آمریکا بر این باورند که از منظر زیبایی‌شناسی دم سگ پاگ، باید کاملا به سمت پشتش فرخورده باشد. اما این دمی که با چوب‌پنبه فرخورده می‌تواند به ستون فقرات صدمه وارد کند که درد شدیدی خواهد داشت و حتی ممکن است منجر به فلج شود. کمر کشیده یک سگ داشهوند، مستعد ایجاد مشکلات ستون فقرات است، در همان حالی که چین‌های روی پوست صورت سگ شارپی می‌تواند باکتری‌ها را به دام بیندازد و این نژاد را مستعد ابتلا به عفونت‌های جدی کند. موارد دیگری نیز وجود دارد.

این قسم از مشکلاتی که مربوط به ساختار بدن است، محدود به سگ‌ها نیست. پرندگان خانگی با انواع تافت‌های پرغیرعادی به سختی می‌توانند به پرواز دربیایند و دمای بدنشان را تنظیم کنند. در انواعی از گلدفیش‌ها، گاپی‌ها و آنجل فیش‌ها، دمی بلند و آراسته باعث اختلال در حرکت آن‌ها و سخت شدن فرآیند تولید مثل می‌شود. رشد گوشت روی سر گلدفیش (در شکل‌های مختلف که توسط برخی از مجموعه‌داران باارزش شمرده شده است) یا چشم‌های بادکنکی یا تلسکوپی می‌تواند ماهی را تقریبا کور کند. وسواس ما در ظاهر حیوانات می‌تواند کارهای افراطی‌ای را برانگیزاند، مثل جراحی‌های دردناک زیبایی. مدت‌هاست که در بسیاری از نژادهای سگ، کوتاه کردن یا قطع کردن دم آن‌ها معمول بوده است، از جمله کوکر اسپانیل‌ها و دوبرمن‌ها. این روش که روی توله‌سگ‌ها انجام می‌شود، اغلب بدون بیهوشی صورت می‌گیرد. برخی ادعا می‌کنند که کوتاه کردن دم سگ‌ها از آسیب و عفونت دم آن‌ها جلوگیری می‌کند، زیرا آن‌ها در مزارع، در میان درختچه‌ها و علف‌ها می‌دوند و یا کار می‌کنند، اما مدرکی برای تأیید این ادعا وجود ندارد.

انجمن دامپزشکی آمریکا، که مخالف کوتاه کردن دم است، در وب‌سایت خود اظهار می‌دارد: «به نظر می‌رسد تنها فایده کوتاه کردن دم سگ‌ها، تصور ظاهری دلپذیر است.» کوتاه کردن دم در انگلیس در سال ۲۰۰۷ ممنوع شد (به استثنای برخی از نژادهای مورد استفاده در کار) و در استرالیا، بخش‌هایی از کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی هم ممنوع است، اما این عمل در ایالات متحده رایج است و تاریخچه‌ای طولانی از کوتاه کردن دم اسب‌ها و همچنین خراشیدن دم وجود دارد که در آن تاندون دم اسب [به صورت عمودی] برش داده شده و باعث می‌شود اسب بتواند دم خود را بالاتر ببرد. این چیزی است که برخی آن را خوشایند می‌دانند. هردوی این عمل‌ها از سال ۱۹۴۹ در انگلیس و در ۱۱ ایالت آمریکا غیرقانونی بوده است.

برای تغییر ویژگی‌های خاصی از حیوانات خانگی که نوعی نقص محسوب می‌شود، روش‌های جراحی وجود دارد. اگر گوش‌های سگ را ور طبق الگوی نژادی خود، به‌جای این که حالت ایستاده داشته باشد، آویزان باشد، می‌توان با کمک مجموعه‌ای از ایمپلنت‌های گوش پلاستیکی و مشبک گوش‌های او را اصلاح کرد و در سال ۲۰۰۹ یک پناهگاه سگ در انگلیس دو سگ لابرادور شکلاتی را برای جراحی سینه [به دامپزشکی] فرستاد تا برای صاحبان جدید جذاب‌تر جلوه کنند. این سگ‌ها به خاطر بهره‌کشی نسلی پستان‌های آویزانی داشتند.

امروزه بیوتکنولوژی بیش از هر زمان دیگری به ما قدرت تغییر شکل گونه‌های حیوانات را داده است. مهندسی ژنتیک به ما این امکان را می‌دهد که از بدن حیوانات بیشتر استفاده کنیم، چه خوک‌هایی پرورش بدهیم که اندام‌های مناسب‌تری برای پیوند به انسان داشته باشند، چه بزهایی که در شیر خود مواد دارویی نجات‌بخش تولید می‌کنند.

در آسیا، یک شرکت تایوانی به نام تایکونگ وجود دارد که گلوفیش و ماهی‌های فلورسنتی‌ای را که از لحاظ ژنتیکی اصلاح شده‌اند، می‌فروشد. این ماهی‌ها در حال حاضر در بازار کانادا، استرالیا یا اروپا مجاز نیستند، اما به طور غیرقانونی در آکواریوم‌های بریتانیا و هلند یافت می‌شوند.

برخی از فعالان به شدت با «پرورش» این ماهی‌ها مخالفت کردند و نگرانی‌های متعددی را در مورد فروش آن‌ها اظهار کردند. به‌عنوان مثال، مرکز ایمنی غذا در واشنگتن دی. سی، که در ژانویه ۲۰۰۴ از سازمان غذا و دارو برای جلوگیری از فروش این حیوانات خانگی شکایت کرد، سؤالاتی را مطرح کرد، مثلا اگر ماهی به طبیعت فرار کند چه اتفاقی می‌افتد؟ مدیر اجرایی این مرکز، گلوفیش را «آلودگی بیولوژیکی» نامید، اما درنهایت کارشناسان بخش خصوصی اعلام کردند که این ماهی‌ها تقریبا هیچ خطر زیست‌محیطی‌ای ندارند. با این حال، یکی از رایج‌ترین اعتراضات به ماهی‌ها غیرطبیعی بودن آن‌ها بود. برخی از مخالفان حتی ادعا کردند که تماشای گلوفیش ممکن است باعث آسیب زیبایی شناختی شود.

وقتی صحبت از حیوانات به میان می‌آید، باید کمتر نگران «طبیعی بودن» حیوان باشیم، بلکه بیشتر ملاحظه اثراتی را داشته باشیم که رفاه یک موجود را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. حیوانات ممکن است به کالاهای زینتی تبدیل شده باشند، اما هنوز موجودات زنده‌ای هستند که درد را درک می‌کنند. بنابراین، مداخله در زندگی آن‌ها و طراحی مجدد بدن آن‌ها باید منجر به متعادل کردن درد و سود باشد. آئین‌نامه‌های زیبایی محاسبات متفاوتی را ارائه می‌کنند، حتی «تحمل» سرسوزنی درد یا رنج به خاطر زیبایی صرف توجیه‌ناپذیر است. اصل حاکم در تصمیم‌گیری درباره تعیین خط قرمز، باید یک عبارت ساده چهارکلمه‌ای باشد که برای پزشکان در هرکجا آشناست: اول، آسیبی وارد نکنید.

این بخشنامه ساده، از رویه‌های وحشیانه‌ای مانند کوتاه کردن دم و همچنین انتخاب مصنوعی برای ویژگی‌های فیزیکی که باعث ناتوانی‌ها و بدشکلی‌ها می‌شوند جلوگیری می‌کند. همچنین به این معناست که باید به‌طور جدی درباره رنگ کردن حیوانات فکر کنیم. برخی از رنگ‌ها و روش‌های رنگرزی سمی هستند و حتی رنگ‌های غیرسمی نیز می‌توانند باعث تحریک پوست یا واکنش‌های آلرژیک شوند. این عمل می‌تواند به‌طور غیرمستقیم اثراتی برآسایش «حیوانات» نیز داشته باشد. رنگرزی جوجه‌های تازه متولدشده برای عید پاک، پرندگان را به اسباب‌بازی‌هایی تبدیل می‌کند که مطمئنا بعدا رها می‌شوند، یا زمانی که جوجه‌ها کامل رشد کردند و بامزگی خود را از دست دادند، دور انداخته می‌شوند. در سال‌های آینده، احتمالا وسوسه شویم که خودمان در حیوانات خانگی انواع تغییرات ژنتیکی را ایجاد کنیم. اما، در هر مورد، باید از خود بپرسیم: آیا این عمل دی‌ان‌ای به حیوان آسیب می‌رساند یا در مواردی که فرار حیوانات اصلاح‌شده ژنتیکی به حیات وحش محتمل است، تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیمی در بردارد؟ اگر چنین است، باید آن را کنار بگذاریم.

همچنین باید تلاش کنیم برخی از اشتباهاتی را که به نام زیبایی انجام داده‌ایم جبران کنیم. خبر خوب این است که می‌توان اشتباه‌ها را جبران کرد. هرروز تعداد کشورهایی که کوتاه کردن دم و دیگر اشکال مثله کردن حیوانات را غیرقانونی می‌دانند، بیشتر می‌شود.

فراموش نکنیم که حلقه گمشده این عمل‌های زیبایی هرچند انگشت‌شمار، عدم توجه به رفتارشناسی و حقوق حیوانات است که با انجام اموری از این دست در تضاد است. هر عمل غیرضروری آسیب‌هایی به این حیوانات وارد می‌کند که زندگی‌شان را از حالت طبیعی خارج خواهد کرد. امری که دامپزشکان هم بر آن تأکید داشته‌اند و به عقیده آن‌ها، بریدن گوش حیواناتی مثل سگ و گربه مشکلاتی اساسی را در تعادل و خلق و خوی‌شان ایجاد می‌کند و باعث از بین رفتن قسمتی از مجرای گوش بیرونی این موجودات می‌شود که علاوه بر آسیب‌های عفونتی می‌تواند آسیب جدی به شنوایی‌شان وارد کند. همچنین بریدن دم سگ، ابراز احساسات این حیوان را مختل می‌کند؛ چراکه سگ‌ها همه حالت‌هایشان را از طریق تکان دادن دم ابراز می‌کنند و بریدن دم این حیوان، آسیب جبران‌ناپذیری درپی خواهد داشت. این موضوع درباره عمل حنجره هم صادق است.

پی‌نوشت:

نگارنده: پارسا دزیانی- این مقاله در خانه اخلاق پژوهان جوان منتشرشده است.

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری اختصاصی بازارگردانی میزان داریک به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۷۱۸۲۳۷ و به شماره ثبت ۵۰۹۸۵ به استناد صور تجلسه مجمع صندوق مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ بموجب مجوز شماره ۱۲۲/۱۵۶۹۵۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ سازمان بورس واوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مدت فعالیت صندوق تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ به مدت یک سال تمدید گردید. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۱۲۰)

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۱۰۱۳-۱۴۰۳/۵/۸ به شماره کلاسمان ۱۴۰۳/۳۹۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قادرداد آزادی فرزند کرم به شماره کدملی ۳۷۱۹۰۴۹۴۷۷ صادره از خاش در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۱۹ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۶۹۶-اصلی واقع در بخش ۴ بلوچستان شهر خاش اراضی اسلام آباد خریداری از مالک رسمی بلاواسطه از طرف آقای نیاز شهنوازی احد از وراث آقای لشکر شهنوازی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۲۵
م الف ۵/۱۵۱

مجید جمشیدی فر- رئیس ثبت اسناد واملاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۱۰۱۱-۱۴۰۳/۵/۸ به شماره کلاسمان ۱۴۰۳/۳۹۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قادرداد آزادی فرزند کرم به شماره کدملی ۳۷۱۹۰۴۹۴۷۷ صادره از خاش در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۵۵/۷۴ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۶۹۶-اصلی واقع در بخش ۴ بلوچستان شهر خاش اراضی اسلام آباد خریداری از مالک رسمی بلاواسطه از طرف آقای نیاز شهنوازی احد از وراث آقای لشکر شهنوازی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۲۵
م الف ۵/۱۵۰

مجید جمشیدی فر- رئیس ثبت اسناد واملاک

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص گروه توسعه فولاد ارومیه به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۹۶۸۸۹ و به شماره ثبت ۴۷۲۶۸۰ به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد شرکت گروه فولاد اوراز به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۷۸۷۶۹ به نمایندگی سجاد رامیار به شماره ملی ۱۳۸۲۹۰۲۸۳۲ به سمت عضو هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ شرکت فولاد ترابر آذربایجان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۲۶۳۵۷ به نمایندگی مرتضی دهقان درست به شماره ملی ۲۷۵۴۹۹۸۴۰۳ به سمت عضو هیئت مدیره و نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ شرکت باشگاه ورزشی گروه فولاد ارومیه به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۵۰۴۲۹ به نمایندگی فرجاد بخشور به شماره ملی ۲۹۰۰۰۶۹۷۰۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ انتخاب گردیدند امضای کلیه اسناد مالی، چکها، قراردادها وسایر اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت با امضای ثابت آقای سجاد رامیار به شماره ملی ۱۳۸۲۹۰۲۸۳۲ به نمایندگی از طرف شرکت گروه فولاد اوراز به سمت (عضو و رئیس هیأت مدیره) با یکی از آقایان مرتضی دهقان درست به نمایندگی از طرف شرکت فولاد ترابر آذربایجان به سمت (عضو و نائب رئیس هیأت مدیره) یا فرجاد بخشور بشماره ملی ۲۹۰۰۰۶۹۷۰۱ به نمایندگی از طرف شرکت باشگاه ورزشی گروه فولاد ارومیه به سمت (عضو هیأت مدیره و مدیر عامل) و امضای اوراق عادی و نامه های اداری به تنهایی با امضای هر یک از آنان در هر حال همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۱۱۹)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص خورجین گستر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۷۲۶۵۰ و به شماره ثبت ۱۲۳۷۹۶ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حمید کبیر جباری به شماره ملی ۱۳۷۲۷۲۴۵۸۳ به سمت عضو اصلی و نایب رییس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ آقای محمدباقر کبیر جباری به شماره ملی ۱۳۷۸۶۰۱۷۲۶ به سمت عضو اصلی و رییس هیئت مدیره و مدیر عامل تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ خانم فرخنده محبوبیان به شماره ملی ۱۳۷۸۶۲۲۱۱۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ آقای وحید کبیر جباری به شماره ملی ۱۳۷۹۰۱۸۰۵۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ انتخاب گردیدند. حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار چک و سفته و برات و قراردادهای تعهد آور با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً و با مهر شرکت معتبر است. اوراق عادی و اداری با امضاء هر یک از مدیران و با مهر شرکت معتبر میباشد. آقای عبداله کلانتری به شماره ملی ۰۵۸۹۶۳۸۲۵۴ به سمت بازرس اصلی و آقای نقی عبدالحسین زاده به شماره ملی ۱۶۳۹۲۱۲۷۸۷ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار رسالت جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۱۰۶)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص نعیم تجارت ایسا تیس به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۹۹۷۳۳ و به شماره ثبت ۱۸۷۹۴۲ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موسسه حسابرسی احراز ارقام حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۹۴۷۴۹ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی موسسه حسابرسی تراز مشهود محتسب به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۳۰۹۹۸ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیر الانتشار رسالت جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲ به تصویب رسید.. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۱۰۴)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص مرمر دژ خرم به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۲۷۲۰۸۴ و به شماره ثبت ۵۵۴۰۸۵ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موضوع فعالیت شرکت به شرح ذیل می باشد و ماده مربوطه دراساسنامه اصلاح گردید. طراحی، ساخت و امور پیمانکاری واحد های مسکونی، تجاری، اداری، صنعتی و انبوه سازی (ابنیه سبک و سنگین بتنی و فلزی و سوله). طراحی، ساخت و امور پیمانکاری سد و بندهای خاکی و بتنی و ساختمان های مربوطه و پل سازی و تونل سازی. ساخت و نصب قطعات پیش ساخته بتنی. طراحی، ساخت و امور پیمانکاری مخازن بتنی و فلزی. طراحی، ایجاد و امور پیمانکاری فضای سبز و مبلمان شهری و شهرسازی و جدول بندی و زهکشی. طراحی، نصب و امور پیمانکاری تاسیسات و تجهیزات ابنیه (آب، برق، گاز، فاضلاب) و ارائه کلیه خدمات فنی مربوطه و تاسیسات مکانیکی وهیدرومکانیکی. طراحی، ساخت و امور پیمانکاری مربوط به راه، باند و راهسازی (راه اصلی و فرعی، آزادراهها، بزرگراهها، راهسازی، پل سازی، راه روستایی و معابر). طراحی، ساخت و امور پیمانکاری مربوط به خطوط انتقال (آب، نفت، گاز) و شبکه های توزیع آب و شبکه های جمع آوری و انتقال فاضلاب و کانال های انتقال آب (کانال سنگی و بتنی). طراحی، ساخت و امور پیمانکاری مربوط تاسیسات آب و فاضلاب و تاسیسات برق ومکانیک. طراحی، اجرا و امور پیمانکاری طرح های نوین آبیاری و زهکشی و شبکه های آبیاری قطره ای و سیستمهای نوین آبیاری تحت فشار. برون سپاری، خدمات بهره برداری و نگهداری از تاسیسات شبکه توزیع و خطوط انتقال آب و فاضلاب. ارائه کلیه فعالیت های معدنی و صنعتی در زمینه اکتشاف و استخراج و فر آوری و بهره برداری و تولید و امور پیمانکاری انواع مواد معدنی فلزی و غیرفلزی، کانی‌های فلزی و غیرفلزی، انواع سنگها و فلزات (ساختمانی، صنعتی، زینتی و گرانبها) و محصولاتی که از فر آوری مواد معدنی اعم از خام و نیمه‌خام به دست می آید و سایر محصولات مرتبط با بخش معدن. تهیه ماشین آلات، تجهیزات و مواد اولیه مصرفی، لوازم یدکی مورد نیاز از خارج از کشور و یا تأمین از داخل کشور به منظور انجام و تسهیل فعالیت‌های مربوط به احداث، تجهیز و راه اندازی کارخانجات و خطوط مربوطه معدنی، صنعتی و موارد مطرح شده در موضوع شرکت. خرید و فروش و صادرات و واردات کلیه کالاهای بازرگانی. اخذ و اعطای نمایندگی خارجی و داخلی. شرکت در کلیه مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی .اخذ وام و اعتبارات بانکی بصورت ارزی و ریالی از کلیه بانک ها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی، مشارکت با آنها و گشایش اعتبارات اسنادی برای شرکت نزد بانکها. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۰۸۸)

تاسیس شرکت سهامی خاص گروه صنایع خودرو الکتریک احسان در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ به شماره ثبت ۶۳۶۱۵۶ به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۶۳۹۱۹۵ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :طراحی، مشاوره ، ساخت، تهیه و تولید، مونتاژ ،خرید، فروش، واردات و صادرات(نو و کار کرده) انواع خودروهای سبک و سنگین از قبیل (و نه محدود به) انواع خودروهای سواری، سبک، نیمه سنگین، سنگین، کشنده کامیونت، مینی بوس، میدل باس وون و اتوبوس، ماشین آلات صنعتی، خدمات فنی و مهندسی، ماشین آلات راه سازی، ماشین آلات معادن، خودروهای برقی و هیبرید و انواع کاربری های خودرو های تجاری، دوچرخه ، موتور سیکلت، موتور چهار چرخ ، اسکوتر برقی و بنزینی و هیبریدی ایجاد کارخانجات تولید و مونتاژ کلی و یا جزئی انواع خودرو، طراحی، ساخت، تهیه و تولید، خرید، فروش، واردات، صادرات قطعات خودرویی و لوازم یدکی، ماشین آلات تولید، ابزار آلات مربوطه (بادی، برقی، هیدرولیکی، پنوماتیکی و مکانیکی) خرید و فروش و نوسازی خودروهای فرسوده سبک و سنگین و قطعات مربوطه، احداث و ایجاد کارگاه و کارخانجات تهیه و تولید قطعات خودرو، راه‌اندازی خطوط تولید و انجام هر یک از فرایندهای ساخت خودرو از قبیل و نه محدود به طراحی، ساخت نمونه اولیه و تولید انبوه، تهیه قالب و قطعه سازی، ایجاد فرایندهای زنجیره تأمین، پرسکاری، بدنه سازی، موتورسازی و مونتاژ موتور، شاسی سازی، ED، نقاشی خودرو و کلیه فرایندهای مرتبط، تزئینات اتاق، مونتاژ و یا تولید گیربکس و محورهای خودرو، عقد قرارداد با پیمانکاران فرعی، ارائه خدمات آزمایشگاهی و کالیبراسیون تولید و مونتاژ خودرو و قطعات، اخذ و یا اعطای نمایندگی انحصاری و غیر انحصاری، سفارشی‌سازی خودرو وفق نیاز مشتری، تولید مشترک، ارائه خدمات پس از فروش، تأمین قطعات یدکی و اعطای امتیاز خدمات پس از فروش و تأمین قطعات به اشخاص ثالث، خرید، فروش، صادرات و واردات تایر خودرو، قطعات الکتریکی، پردازش گرها، سیستم ترمز، سیستم تعلیق، تجهیزات ایمنی از قبیل ایربگ، کالای فانتزی خودرو، سیستم تهویه، سیستم صوتی، نیرومحرکه، سیستم سوخت رسانی، کاتالیزور، DPF، تاخوگراف، بخاری درجا، باتری، شارژر و مشتقات آن و سایر سیستم های خودرویی انجام کلیه فعالیتهای بازرگانی اعم از خرید و فروش، واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، ترخیص کالا از گمرکات داخلی و بین المللی، اخذ و اعطای نمایندگی های مجاز از شرکتها و موسسات داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات ریالی و ارزی از کلیه بانکها و موسسات مالی و اعتباری، گشایش اعتبارات و ال سی داخلی و خارجی نزد بانک ها، مشارکت و شرکت در نمایشگاه های تخصصی و غیر تخصصی داخل و خارج کشور و ارائه خدمات، تحقیقاتی، پژوهشی و مدیریتی به اشخاص حقیقی و حقوقی، شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی ، انعقاد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت :از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، داوودیه، خیابان استاد سید عبداله انوار (شنگرف)، بلوار میرداماد، پلاک ۱۵۲، طبقه ۵، واحد جنوبی کدپستی ۱۵۴۸۹۴۴۱۱۷ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰۰۰۰۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ نزد بانک ملت شعبه میرداماد نفت با کد ۶۵۷۳۰ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره آقای حامد جهانیان به شماره ملی ۰۰۷۱۴۶۱۷۱۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای سیاوش محمودی به شماره ملی ۰۰۷۷۳۲۶۰۴۰ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای مجید فراهانی به شماره ملی ۰۵۳۳۲۶۰۰۴۳ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء مشترک رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و در غیاب مدیرعامل با امضاء مشترک رئیس هیات مدیره و یکی از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیات مدیره هریک به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای محمدتقی رستمی به شماره ملی ۰۰۷۳۷۱۲۴۲۶ نماینده حقوقی ، حسابرسی و خدمات مدیریت آزمون تراز ارقام به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۳۹۳۶۹ به سمت بازرس علی البدل به مدت ۱ سال آقای سیدعباس موسوی سنگسرکی به شماره ملی ۲۰۹۲۹۷۲۰۵۷ نماینده حقوقی ، اصلاح گستران امین به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۱۷۸۸ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال روزنامه کثیر الانتشار رسالت جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۷۰۱۱۰)